



The Narrative of Governance in Ayatollah Khamenei's Political Thought*

Seyyed Hossein Athari¹  Ahmad Valavi Nasab² 



1. Associate Professor of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran (corresponding author)

Email: athari@um.ac.ir

2. PhD Student, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Email: valavinasab_65@yahoo.com

Abstract

The present study aims to trace Ayatollah Khamenei's perspective on governance, covering the purpose of government, the identity of the ruler, the limitations on exercising power, and the right to protest against authority, using John Marrow's teleology-legitimacy theoretical model and an interpretive approach. In response to the question of explaining Ayatollah Khamenei's understanding of governance, a hypothesis is proposed that, given the rise of Shiite jurists to power and the political implications of modernity (citizen-rights), his view on governance is a synthesis of interpretations based on Islamic-Shiite tradition and human experiences derived from modernity. Findings indicate that, in terms of the purpose of government, its aim is to guide people toward a virtuous life along with material welfare, justice, resistance to oppression, security,

* Athar, H.; Valavi Nasab, A. (2023). The Narrative of Governance in Ayatollah Khamenei's Political Thought. *Journal of Political Science*, 27(105), pp. 6-40.

<https://doi.org/10.22081/PSQ.2024.67822.2848>

 **Publisher:** Baqir al-Olum University, Qom Iran.

* **Type of article:** Research Article

 **Received:** 2023/09/13 •  **Revised:** 2023/10/12 •  **Accepted:** 2023/11/01 •  **Published online:** 2024/03/25

© The Authors




spirituality, and ethics. Regarding the identity of the ruler, Ayatollah Khamenei believes in the guardianship of jurists generally appointed by the infallible Imam, contingent upon public acceptance of their authority. His view on limitations to power includes internal constraints such as piety, justice, and jurisprudential expertise, as well as external constraints like the constitution, ordinary laws, public will, freedom, and the press. On the issue of protest, he advocates countering subversive actions but is open to reformative actions within the framework of the Islamic system.

Keywords

Government, Legitimacy, Comprehension Method, Ayatollah Khamenei, Guardianship of the Jurist, Authority.



روایت حکومت در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای*

سید حسین اطهری^۱  احمد ولوی نسب^۲ 

۱. دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)
athari@um.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، دانشکده فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
valavinasab_65@yahoo.com



چکیده

هدف پژوهش حاضر روندیابی نگاه آیت‌الله خامنه‌ای در مورد حکومت، شامل غایت حکومت، کیستی حاکم، محدودیت‌های اعمال قدرت و حق اعتراض بر حاکمیت، با بهره‌گیری از الگوی نظری غایت-مشروعیت جان مارو، با استفاده از روش تفهیمی است؛ از این رو در پاسخ به این پرسش که فهم آیت‌الله خامنه‌ای از حکومت چگونه قابل تبیین است؟ این فرضیه مطرح شد که با توجه به حاکمیت یافتن فقیهان شیعی و نتایج سیاسی ناشی از فرایند مدرنیته (شهروند-حقوق)، نگاه ایشان به حکومت تلفیقی از تفسیرهای مبتنی بر سنت اسلامی-شیعی و تجربیات بشری ناشی از مدرنیته است. نتایج بیانگر آن است که در بخش غایت حکومت، هدف حکومت هدایت مردم به حیات طیبه همراه با رفاه مادی، عدالت محوری، ظلم‌ستیزی، امنیت، معنویت و اخلاق است. در بخش کیستی حاکم، آیت‌الله خامنه‌ای به ولایت فقها به نصب عام از طرف امام معصوم، به شرط تحقق این ولایت از سوی مردم معتقد است. محدودیت‌های اعمال قدرت در اندیشه ایشان شامل محدودیت‌های درونی تقوا، عدالت و قناعت و محدودیت‌های بیرونی قانون اساسی و قوانین عادی، خواست مردم، آزادی، مطبوعات و رسانه‌ها می‌باشد. در زمینه اعتراض بر حاکمیت، ایشان به مقابله با کنش براندازانه حکم می‌دهد و در حوزه اصلاحی، پذیرای کنش‌های اصلاح‌گرایانه در قالب نظام اسلامی است.

کلیدواژه‌ها

حکومت، مشروعیت، روش تفهیمی، آیت‌الله خامنه‌ای، ولایت فقیه و حاکمیت.

* **استناد به این مقاله:** اطهری، سید حسین؛ ولوی نسب، احمد. (۱۴۰۲). روایت حکومت در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای. علوم سیاسی، ۲۷(۱۰۷)، صص ۴۰-۶.
<https://doi.org/10.22081/PSQ.2024.67822.2848>

▣ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم، ایران؛ © نویسندگان

▣ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۲؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۰؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۱/۰۶



بیان مسئله

فارغ از معانی اصطلاحی «حکومت»، همچون فرمانروایی، پادشاهی، نظام سیاسی، قضاوت و داوری در فرهنگ‌نامه‌ها و تعریف‌های متعدد مفهومی، در متون جدید و متأثر از نظریه فوکو، «حکومت» به تعریف سیاسی یا حکمرانی در کاربردهای امروزی محدود نیست؛ بلکه دامنه گسترده‌ای از فنون مراقبت را در بر می‌گیرد و با زیست‌سیاست و قدرت و دانش پیوند مفهومی دارد.

متأثر از چنین تعریفی از حکومت و در راستای ردیابی نوع تصورات و ذهنیت اندیشمندان ایرانی از اندیشه «حکومت» و نهادهای درونی و شاکله‌های عمومی مرتبط با آن، لازم است یادآوری شود که بین دانش (در اینجا منظور نص و سنت شیعی) و سیاست و قدرت امتزاج عمیقی دارد؛ به این معنا که عمده دانش سیاسی تولیدشده در عرصه «حکومت» شامل غایت حکومت، کیستی حاکم، محدودیت‌های اعمال قدرت در جامعه و نقش مردم در قدرت و حکومت، متأثر از تقریرهای نظری و دخالت عملی فقیهان و حکیمان شیعی در عرصه سیاست و قدرت است. البته باید بدانیم که پیوند میان دانش و قدرت در اندیشه ایرانی در گزاره تاریخی «پیوند دین و مُلک» ریشه دارد که به گفته برخی اندیشمندان «به هیچ وجه سنخ‌ی اسلامی نیست» و به ایران باستان به‌ویژه به اندیشه تنسر موبد عهد اردشیر ساسانی بر می‌گردد (ویسهوفر، ۱۳۸۰، ص. ۵۴).

با روی کار آمدن جمهوری اسلامی در نتیجه انقلاب اسلامی، وارثان و حاملان دین اسلام و مذهب تشیع با نظریه‌پردازی ولایت فقیه، «مُلک» و حکومت را در خدمت موازین اسلامی و شیعی در آوردند و ضمن تدوین قانون اساسی فهم خود از حکومت را به صورت قانونی رسمیت دادند و برای اولین بار در تاریخ ایران، رابطه فرازی حکومت نسبت به دین و مذهب وارونه شد و اصحاب دین، حکومت و قدرت را برای اجرای شریعت اسلامی و شیعی به خدمت گرفتند. به نظر می‌رسد این تغییر رویکردی بسیار مهم است که ابعاد نظری و عملی آن همچنان پنهان مانده است و لازمه آن رجوع به اندیشه فقیهان و عالمان درگیر در این فرایند تاریخی است؛ از جمله این فقیهان و مجتهدان، آیت‌الله سیدعلی حسینی خامنه‌ای، رهبری معظم جمهوری اسلامی ایران است

که می‌توان با توسل به نوشته‌ها و سخنرانی‌ها و کنشگری عملی وی در سیاست و مملکت‌داری به فهم عمیق ابعاد «حکومت» پرداخت؛ مفهومی راهبردی که به شکل‌گیری خرده‌روایت‌های چندگانه حول آن در میان فقیهان شیعه منجر شده است. روایت‌هایی که در برخی از آنها به دفاع قاطع از حق حاکمیت فقیهان به نصب از جانب ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌پردازد و برای مردم نقش مقبولیتی قائل است (مانند اندیشه آقایان مصباح یزدی و جوادی آملی). یا اینکه مشروعیت و مقبولیت حکومت فقیهان را به رأی مردم ارجاع می‌دهند (اندیشه افرادی مانند صالحی نجف‌آبادی و منتظری متأخر). یا اینکه با تأکید بر تناقض ذاتی در دو مفهوم «جمهوری و ولایت» به بی‌اعتباری حاکمیت فقیه حکم می‌دهند (اندیشه افرادی مانند مهدی حائری یزدی).

از این‌رو این پژوهش در پی آن است تا با وام‌گیری از چهارچوب نظری «غایت - مشروعیت» جان مارو و در پاسخ به پرسش از «چگونگی تبیین نگاه آیت‌الله خامنه‌ای به ماهیت حکومت»، این فرضیه را که «با توجه به حاکمیت‌یافتن فقهای شیعی و نتایج سیاسی ناشی از فرایند مدرنیته (شهروند- حقوق)، نگاه ایشان به حکومت تلفیقی از تفسیرهای مبتنی بر سنت اسلامی - شیعی و تجربه‌های بشری ناشی از مدرنیته است»، به بررسی بگذارد. روش استفاده‌شده در این پژوهش نیز تفهیمی - هرمنوتیکی است.

۱) روش‌شناسی پژوهش

بررسی نظریه‌ها و اندیشه‌های متفکران و معنایابی کنش‌های اجتماعی و سیاسی آنان در چهارچوب پژوهش‌های کیفی قرار می‌گیرد و می‌توان با توسل به چهارچوب‌های معرفت‌شناختی هرمنوتیکی و تفهیمی به تحلیل محتوای اندیشه‌ها و معانی کنش‌های سیاسی و اجتماعی پرداخت. در این روش به مؤلفه‌های چهارگانه کنش (یا متن)، کنشگر (یا مؤلف)، زمینه و مفسر توجه می‌شود و «معناکاوی» در آن مقوله‌ای بنیادین است و فهم آن به نظام و سیستمی بستگی دارد که در آن معنا خلق می‌شود (منوچهری، ۱۳۹۰، ص. ۵۴) و به نقش اقتصاد، قدرت، ضمیر ناخودآگاه، تاریخ، اسطوره، نظام‌های معنایی، محیط، فرهنگ، دین و سنت در فرایند آفرینندگی معنا توجه می‌کند

(لک‌زایی، ۱۳۸۹، صص. ۴۱-۴۲)؛ همچنین بر ضرورت توجه به معانی رفتار سوژه‌ها (انسان‌ها) و آنچه از این رفتارها حاصل می‌شود، تأکید دارد که تبیین کشف همین معانی در قالب همان زبانی است که آنها به کار می‌برند (فی، ۱۳۹۰، ص. ۱۷۶)؛ همان چیزی که ماکس وبر با عنوان «ورِشتین» به معنای درون‌فهمی یا فهم همدلانه از آن نام می‌برد (رجایی، ۱۴۰۲، ص. ۱۵۰).

درواقع می‌توان اذعان کرد که در روش هرمنوتیکی هدف از پژوهش «معناکاوی یا فهم» است و به معانی اشاره دارد که انسان‌ها خلق کردند و با اتکا به آن معانی روابط سیاسی میان خود را فهم پذیر می‌کنند (سیدامامی، ۱۳۹۰، صص. ۴۱-۴۲). افزون بر اینکه این روش در تفسیر متون مقدس از زمان‌های قدیم مطرح بوده است و با «اجتهاد» که در دستگاه تفسیر نصوص دینی و ساز و کار فهم و استنباط احکام فردی و اجتماعی نقش و جایگاه مهمی در تکوین عقلانیت سیاسی شیعه داشته است، قرابت بالایی دارد (حقیقت، ۱۳۹۲، صص. ۱۵۶-۱۷۶)؛ از این رو این روش از توانایی مؤثری برای تبیین و تحلیل نوع نگاه روحانیت و فقیهان شیعی به مقوله «حکومت» برخوردار است.

۲) پیشینه پژوهش و ادبیات موضوع

در کتاب اندیشه و رفتار سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، به قلم علی مرادزاده، نویسنده به بررسی نقش رهبری آیت‌الله خامنه‌ای در ماندگاری و ثبات سیاسی جمهوری اسلامی در بازه زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۵ پرداخته است. نگارنده با بهره‌گیری از مدل «ترکیب ثوری‌ها» کوشیده است نقش رهبری آیت‌الله خامنه‌ای در بزنگاه‌های مختلف حاکمیتی جمهوری اسلامی از جمله بازنگری قانون اساسی، پایان جنگ، قتل‌های‌های زنجیره‌ای، حادثه کوی دانشگاه، حوادث مربوط به استعفای مجلس ششم و حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ را تحلیل و بررسی کند و از دل همین تحلیل تصویری حقیقی از حکومت مطلوب ایشان به دست دهد.

در کتاب ولایت و حکومت: تنظیم شده از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، گردآورندگان تلاش کرده‌اند با توسل به سخنرانی‌ها و خطبه‌ها و آثار آیت‌الله خامنه‌ای به ایضاح

مبحث ولایت فقیه، حکومت اسلامی و شاخصه‌ها و اشکالات وارد به این نوع از حکومت و وظایف متقابل حکومت و مردم پردازند.

در کتاب انسان ۲۵۰ ساله که گردآوری شده در مرکز صهبا و مبتنی بر سخنان رهبری انقلاب اسلامی حول زندگی سیاسی و مبارزاتی پیامبر اسلام و ائمه اطهار علیهم‌السلام است، مفاهیم مهمی مطرح شده است که از جمله می‌توان به چگونگی شالوده‌ریزی نظام اسلامی، حراست و تثبیت آن، مبحث امامت، اهداف قیام اسلامی، شیوه تعامل با حاکمان جور اشاره کرد.

ضمن اینکه «دفتر نشر و حفظ آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای» به آدرس مشخص در فضای مجازی به صورت کامل به بارگزاری سخنرانی‌ها و آثار ایشان اقدام کرده است و می‌توان با مراجعه به آن به بخش‌های زیادی از مباحث مطرح شده در کتاب‌های نشر یافته حول اندیشه سیاسی ایشان دسترسی پیدا کرد. مواجهه پژوهشی ما در این مقاله نیز به همین شکل بوده است.

۱. الگوی نظری یا مدل مفهومی

در بررسی مسائل مربوط به قدرت و «حکومت» همواره چهار مسئله اساسی (الف) اهداف و غایات حکومت؛ (ب) مشروعیت سیاسی حکومت؛ (ج) محدودیت‌های اعمال حاکمیت و (د) حق اعتراض مردم در مقابل حکومت مطرح است؛ از این رو در این پژوهش با استفاده از الگوی «غایت - مشروعیت» جان مارو که متضمن پاسخ‌گویی به چهار پرسش فوق است، به تبیین اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای در باب ماهیت «حکومت» پرداخته خواهد شد.

الگوی «غایت - مشروعیت» چهار رکن اصلی دارد:

الف) غایت امر سیاسی: از جمله پرسش‌های بنیادین در آثار اندیشمندان در حوزه سیاست و حکومت، پرسش از غایت سیاست و مشخص کردن اهداف هر حکومتی است (مارو، ۲۰۰۵، ص. ۱۸). همچنان که افلاطون و ارسطو مدعی هستند که هدف دولت زندگی

نیک یا به‌زیستی است یا جان‌لاک هدف حکومت را «خیر عمومی» یا «خیر نوع بشر» می‌دانت (عالم، ۱۳۹۲، ص. ۲۳۹). برخی نظم را غایت امر سیاسی می‌دانند و برخی دیگر فضیلت‌مندی را هدف سیاست و حکومت معرفی می‌کنند. آزادی از دیگر غایت‌ها برای امر سیاسی است. شادکامی و رفاه، برابری خواهی و عدالت اجتماعی، اجرای احکام دینی و مذهبی نیز از جمله دیگر غایت‌های سیاسی معرفی شده در آثار اندیشمندان برای امر سیاسی است (مارو، ۲۰۰۵، صص. ۱۹-۸۸-۱۰۹).

ب) مرجع اعمال قدرت: اینکه «چه کسی باید حکومت کند»، مهم‌ترین پرسش در این بخش است. بی‌گمان همه مردم نمی‌توانند به حکومت دست یابند؛ بلکه در اینجا به ساختار مرجعیت سیاسی و ویژگی‌های مورد نیاز برای کسانی اشاره می‌شود که آن را به کار می‌برند (احمدوند و اسلامی، ۱۳۹۷، صص. ۳۷-۳۸). همان‌گونه که ارسطو اذعان می‌کند فهم انواع حکومت‌ها نیازمند حل دو مسئله مهم است: یکی اینکه هدف و فلسفه وجودی حکومت چیست و دیگر اینکه شیوه حکومت بر مردمان و تنظیم زندگی مشترک چند نوع (بد-خوب) دارد (ارسطو، ۱۳۸۷، ص. ۱۱۶). در واقع در این بخش متفکران در پی ارائه یک سامان سیاسی مطلوب (صفات کمی-کیفی ساختار-کارگزاران) و مشروع برای دستیابی به سعادت انسانی هستند؛ از جمله الگوهای سیاسی مطرح‌شده متناسب با معیارهای کمی و کیفی می‌توان به دو الگوی ریاستی افلاطونی و جمهوری ارسطویی اشاره کرد که در طول تاریخ هر یک به نوعی بازتولید شده‌اند (منوچهری، ۱۳۹۵، ج ۲، صص. ۱۲-۱۳).

ج) محدودیت اعمال قدرت: پرسش این است که چگونه باید «چنین قدرتی اعمال شود». این مطلب ناظر به قیدهایی است که برای اعمال قدرت باید در نظر گرفته شود و بیشتر در اینجا از دو دسته الزام و قید سخن به میان می‌آید. یکی قیدهای هنجاری که معیارهایی را برای رفتار حاکمان و توسل زبردستان مشخص می‌کند؛ دیگری قیدهای نهادی که ساز و کارهایی را تعیین می‌کند که اعمال قدرت باید بر اساس آن صورت گیرد (مارو، ۲۰۰۵، ص. ۱۹۹).

د) حق اعتراض بر حاکمیت: دغدغه اصلی اندیشمندان در این بخش از اندیشه‌شناسی، پاسخ به این پرسش است که آیا مردم توانایی اعتراض به اقتدار و نظم سیاسی موجود را دو قالب اعتراضی و انقلابی‌گری دارند؟ به باور مارو مقصد اندیشه سیاسی انقلابی، شناسایی ضعف‌های ساختارهای سیاسی موجود و نشان‌دادن این است که تنها با برقراری یک نظم سیاسی و اجتماعی اساساً متفاوت می‌توان از این ضعف‌ها پرهیز کرد. در این موارد مخالفت به مبارزه‌طلبی علیه دولت می‌انجامد؛ اما گونه دیگری از مخالفت‌ها یا حق اعتراض در نظریه‌های نافرمانی مدنی و مخالفت غیرشدید متبلور شده است. البته «نافرمانی مدنی» باید از تفکر «مخالفت منفعل که به رد اطاعت از دستورات ناحق اشاره دارد» متمایز شود (مارو، ۲۰۰۵م، ص. ۲۹۹).

فهم نگاه آیت‌الله خامنه‌ای از «حکومت» در قالب الگوی نظری «غایت - مشروعیت»
فهم نگاه آیت‌الله خامنه‌ای به مقوله «حکومت» در قالب الگوی نظری «غایت - مشروعیت» متضمن توجه به دو مسئله مهم درباره اصل حکومت در عصر غیبت امام معصوم علیه السلام و سیاست مدرن است:

الف) از زمان غیبت امام معصوم ۷، غیر از تسلط گفتمان «غصب-غیبت» و نتایج چنین نگاهی در قالب نظریه‌هایی همچون آنارشیزم با چهره‌ای دینی، غیرمکلف به اسقاط حکومت جور و ایجاد حکومت دینی، مکلف به اسقاط حکومت جور بدون آینده‌ای مشخص، بسیاری از عالمان شیعه گفتمانی را با عنوان «وجوب اسقاط حکومت جائر و ایجاد حکومتی عادل برخوردار از حقانیت و مشروعیت دینی» نظریه‌پردازی کردند و در نتیجه انقلاب ۱۳۵۷ با نام «ولایت فقیه» استواری نظری و عملی یافت (یوسف‌زاده، ۱۳۹۲، صص. ۹۴-۹۸) که نگاه آیت‌الله خامنه‌ای به شاکله «حکومت» نیز در همین قالب قابل‌روندیابی است.

ب) با توجه به اینکه در سیاست به معنای مدرن آن، رعایا و بندگان و عوام به شهروندانی مدارای حق در عرصه حکومت تبدیل شدند و ضمانت قدرت حاکمان به

قانون و جامعه مدنی و خواست مردم مؤید است و حتی در برخی موارد به شهروند حق شورش و انقلاب و براندازی داده می‌شود، از این‌رو سازوکارهای تعبیه‌شده در چهارچوب نظری «غایت مشروعیت» این قابلیت را دارند که به شکل قابل توجهی نظم سیاسی مطلوب در اسلام و اندیشه سیاسی فقیهان شیعه به‌ویژه رهبری معظم انقلاب اسلامی را شرح دهند.

الف) غایت سیاسی

هر حکومتی در هر بازه زمانی، یک یا مجموعه‌ای از اهداف را به عنوان غایت خود معرفی و پیگیری می‌کند. برای برخی از حکومت‌ها، امنیت و نظم و ثبات اجتماعی و سیاسی اولویت دارد، برخی عدالت گسترده‌تری را پیشه خود می‌سازند و برخی آزادی را در پیشانی سیاست‌گذاری خود پی‌جویی می‌کنند و برخی دیگر فضیلت و سعادت دنیوی و اخروی را مهم‌ترین هدف خود می‌دانند. آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی در چهارچوب حکمرانی اسلامی اقدام به هدف‌گذاری برای حکومت می‌کند.

از نظر ایشان حکمرانی اسلامی با حکمرانی‌های رایج در دنیا متفاوت است و شباهتی به سلطنت و ریاست‌جمهوری و رؤسای کودتاگر ندارد؛ بلکه ویژگی‌هایی مانند مردمی بودن، دینی بودن، اعتقادی بودن، اشرافی نبودن، مسرف نبودن و ظالم نبودن دارد و در آن زر و زور و تکبر و امتیازخواهی و زیاده‌خواهی و شهوت‌رانی جایی ندارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۶/۳۰)؛ از این‌رو مهم‌ترین هدف این نوع از حکومت و حکمرانی را عمل بر طبق اراده و دستور خداوند و افزایش معنویت و خودسازی در میان مردم، تأمین امنیت، رفاه و عدالت اجتماعی و اداره جامعه اسلامی می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۶/۸). از نظر رهبری انقلاب، حکومت اسلامی باید توجه به تعبد و معنویت را گسترش دهد. وی با اشاره به اصل اسلامی امر به معروف و نهی از منکر، بیان می‌دارد که «معروف» در حال حاضر عدالت و انصاف و برادری و ارزش‌های اسلامی است و «منکر» ظلم و فساد و تبعیض و

بی‌انصافی و عدم اطاعت الهی است و دولت و قوای مملکت موظف به پیگیری این اصل هستند:

[ما] در «أَمْروا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهُوا عَنِ الْمُنْكَرِ» (حج، ۴۱) عقییم. معروف چیست؟ عدالت، انصاف، برادری، ارزش‌های اسلامی ... در قانون اساسی ما هم جزو وظایف در اصل هشتم، همین مسئله امر به معروف و نهی از منکر است. ... منکر چیست؟ ظلم است، فساد است، تبعیض است، بی‌انصافی است، عدم اطاعت الهی است...؛ یعنی اینها جزو وظایف است (خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۰۴/۰۷). ایشان با تأکید بر اینکه لازمه اعتقاد به اسلام، پذیرش حاکمیت دین است، معتقد است حکومت دینی در زمینه‌هایی مانند دفاع از کشور، اجرای حدود، اقامه عدل، معاملات و قراردادهای اجتماعی و ارتباط با دیگر کشور موظف است (خامنه‌ای، ۱۴۰۰/۰۳/۱۴). از نظر آیت‌الله خامنه‌ای مبنای حکمرانی و اهداف قابل پیگیری، قرآن کریم است و قرآن است که می‌گوید دستورعمل و برنامه‌های حکمرانی چه باید باشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۰۲/۲۶)؛ همچنین ایشان می‌افزایند که اصلاً نظام اسلامی نظام عدل و انصاف و رسیدگی به مردم و احترام به حقوق انسان‌ها و مقابله با ظلم قوی به ضعیف است (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۰۸/۱۵). ایشان با توسل به فرمان امام علی علیه السلام معتقد است که مطالبه حقیقی و واقعی مردم از حکومت چهار نوع از حقوق است و حکومت در مقابل آنها مسئول و مکلف است: امنیت (داخلی و خارجی) و برخورد با عوامل نا امن ساز، عدالت اجتماعی و اقتصادی، تربیت معنوی و اخلاقی مردم و رفاه و آبادی زندگی آنهاست.

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که در نگاه آقای خامنه‌ای مبانی هدف‌گذاری برای حکومت اسلامی قرآن است (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۰۲/۲۸) و از نظر قرآن کریم اولی‌ترین هدف حکومت رهنمون‌شدن مردم به سوی حیات طیبه، به معنای زندگی گواراست و زندگی گوارا وقتی است که رفاه مادی همراه با عدالت و معنویت و اخلاق باشد و این فقط مختص به آخرت نیست و زندگی این دنیایی بشر را نیز شامل می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۰۱/۱۲). ایشان معتقد است دولت اسلامی باید زمینه‌های مادی لازم برای رسیدن به

حیات طیبه و سعادت بشر را نیز فراهم کند و در رأس این زمینه‌های مادی در اندیشه ایشان، تأکید بر عدالت‌محوری و ظلم‌ستیزی و ایجاد رفاه و توجه به امور معنوی و اخلاقی ارجحیت و اولویت دارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۰۶/۲۵).

جدول ۱: غایت حکومت در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای

حکومت اسلامی	وظایف	فردی: توجه به اخلاق و رفتار و سلوک فردی.
		معنوی: تلاش برای رشد اخلاق، شکوفایی استعداد‌های انسانی و تعلیم تربیت مردم
		اجتماعی: استقرار امنیت عمومی، عدالت اجتماعی، خدمات عمومی و افزایش کمی و کیفی رفاه مردم.
		خارجی: تنظیم سیاست خارجی و ایجاد روابط سالم به جهان.

(خامنه‌ای، ۱۴۰۰، صص. ۲۱۴-۲۱۵).

ب) کیستی حاکم (مشروعیت سیاسی)

در خصوص بنیان مشروعیت سیاسی در ابتدا باید اشاره کرد که اصولاً «حاکمیت» عالی‌ترین منبع قانون‌گذاری و حق فرمان‌دادن، حد نهادن و و به‌طور کلی تولید منع و الزام‌های مستمر است؛ از این رو چنین اقتداری به مشروعیت و توجیه نیاز دارد؛ همچنان که یکی از اندیشمندان می‌نویسد:

اصول مشروعیت توجیهاتی از حاکمیت اند؛ یعنی توجیهاتی از حق فرماندهی. در میان تمامی نابرابری‌های انسانی، هیچ‌یک به اندازه نابرابری ایجادشده از سوی حاکمیت نیازمند به توجیه خود در برابر منطق نیستند. جز در مواردی بسیار استثنایی قدر و ارزش انسان‌ها مساوی است؛ به چه دلیل پاره‌ای از میان آنها حق فرماندهی دارند و دیگران وظیفه اطاعت؟ اصول مشروعیت پاسخ‌هایی به این پرسش‌ها هستند (فره‌رو، ۱۳۷۰، ص. ۳۴).

در تاریخ ایران مهم‌ترین منبع ایجاد ارزش‌های مشروعیت‌بخش برای حاکمیت‌های موجود «مذهب» است و ادبیات فقهی عالمان شیعه نیز با توسل به «اصل اولی عدم سلطه» به سراغ تشریح عوامل مشروعیت‌بخش حاکمیت‌ها می‌روند؛ همچنان که شیخ جعفر کاشف الغطا می‌نویسد:

اصل این است که جز خدا هیچ‌کس بر دیگری سلطه ندارد؛ زیرا در بندگی خدا همه برابرند... بدین سان اگر کسی این سلطنت یا بندگی را به هر دلیلی اعم از نبوت، امامت، علم و... به عاریت داشته باشد، به اندازه اقتضای دلیل از آن اوست و فراتر از آن حقی ندارد (کاشف الغطا، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۰۷).

از این رو در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که در دین اسلام و ادبیات فقهی عالمان شیعه، اولاً جز خداوند هیچ‌کسی بر دیگری حاکمیت ندارد و انسان‌ها از حیث حاکمیت برابرند؛ ثانیاً این خداوند است که استثناهایی شامل حاکمیت پیامبر و ائمه و فقها در دوران غیبت (در اندیشه اکثریت عالمان شیعه) را برای اعمال حاکمیت خود برگزیده است و رهبری و دولت بر ساخته آن، بی‌آنکه تابعی از اراده و رضایت مردم باشد، استقلال دارد و مشروعیت آن نه از طریق مردم، بلکه مستقیم بر گرفته از خداوند و آسمان است (فیرحی، ۱۴۰۰، ص ۲۹۹).

عطف به نکات فوق، در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای حق حاکمیت ابتدا متعلق به خداوند است و در مرحله بعد شارع مشخص می‌کند که چه کسانی می‌توانند ولایت پیدا کنند. در نظر ایشان چگونگی این ولایت یافتن از جانب شرع تنفیذ شده است و این تنفیذ به شکل اعلام شرایط حاکم اسلامی، یعنی عدالت و تقوی نمود پیدا کرده است.

از نظر آیت‌الله خامنه‌ای در نظام جمهوری اسلامی مشروعیت بر پایه اسلام است و بر اساس اسلام، ولایت الهی به فقیه منتقل می‌شود و اگر خلاف مبانی اسلامی عمل شود، نظام و رهبری از مشروعیت می‌افتند و قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز بر همین مبناست. همزمان با اهمیت نقش مردم در زیست سیاسی جهان معاصر، ایشان معتقدند رأی و نظر مردم «پایه اعمال مشروعیت» حکومت و حاکم اسلامی است و بدون آرا و خواست و حضور مردم، نظام اسلام نه تأسیس می‌شود و نه می‌ماند: هیچ‌کس در نظام

اسلامی نباید مردم، رأی مردم و خواست مردم را انکار کند. حالا بعضی رأی مردم را پایه مشروعیت می‌دانند؛ لاقلاً پایه اعمال مشروعیت است. بدون آرای مردم، بدون حضور مردم و بدون تحقق خواست مردم، خیمه نظام اسلامی سر پا نمی‌شود و نمی‌ماند (خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۰۳/۱۴). ایشان در تکملاً این بحث می‌افزایند در دین و اندیشه دینی و قانون اساسی، اساس حاکمیت تکیه بر مردم است و اگر مردم حکومتی را نخواهند، آن حکومت مشروعیت خود را از دست می‌دهد: در تفکر دینی، اساس حاکمیت دین و نفوذ دین و قدرت دین، تکیه به مردم است تا مردم نخواهند، تا ایمان نداشته باشند، تا اعتقاد نداشته باشند، دین حاکم نمی‌شود... در قانون اساسی... همه مراکز قدرت، مستقیم یا غیرمستقیم با آرای مردم ارتباط دارند و مردم تعیین‌کننده و تصمیم‌گیرنده هستند و اگر مردم حکومتی را نخواهند، این حکومت در واقع پایه مشروعیت خود را از دست داده است (خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۲/۰۴).

در واقع می‌توان گفت که در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای فقیهان به نصب عام منصوب از جانب ائمه از طریق اعلام شرایط حاکم اسلامی برای ولایت سیاسی هستند؛ ولی زمینه تحقق این ولایت به رأی و نظر مردم منوط است: در اسلام، مردم یک رکن مشروعیت هستند، نه همه پایه مشروعیت. نظام سیاسی در اسلام افزون بر رأی و خواست مردم، بر پایه اساسی دیگر هم که تقوا و عدالت نامیده می‌شود، استوار است. اگر کسی که برای حکومت انتخاب می‌شود، از تقوا و عدالت برخوردار نبود، همه مردم هم که بر او اتفاق کنند، از نظر اسلام این حکومت حکومت نامشروعی است؛ بنابراین پایه مشروعیت حکومت فقط رأی مردم نیست. پایه اصلی تقوا و عدالت است؛ منتها تقوا و عدالت هم بدون رأی و مقبولیت مردم کارایی ندارد؛ از این رو رأی مردم هم لازم است (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۰۹/۲۶). همچنان که از محتوای یادشده بر می‌آید مشروعیت حکومت اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای ریشه دینی (عمودی) الهی - مردمی و به هم پیوسته دارد: از یک سو در آن بر شرایط حاکم اسلامی (ولایت فقیه)، به عنوان اساس مشروعیت حاکمیت تأکید می‌ورزد و از سوی دیگر تحقق عینی و پایه اعمال چنین مشروعیتی را بدون خواست و نظر مردم منتفی می‌داند. ایشان بر لزوم پیوستگی و تعاطی این دو مدام تأکید

می‌ورزد و در این زمینه تأکید می‌کند که در اسلام به نظر مردم اعتبار داده شده است... . مشروعیت ولایت و حکومت به بیعت مردم وابسته است و یا بگوئیم فعلیت زمامداری و حکومت به بیعت مردم وابسته است (خامنه‌ای، ۱۳۶۶/۰۳/۲۲).

جدول ۲: کیستی حاکم در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

کیستی حاکم	شیوه روی کارآمدن	توضیح
ولایت فقیه	انتصاب	نصب عام فقیه از جانب امام معصوم (مشروعیت) از طریق اعلام شرایط تقوا و عدالت برای حاکم اسلامی
	انتخاب	تحقق عینی ولایت و حاکمیت فقیه منوط به رأی مردم است (مقبولیت).

ج) محدودیت اعمال قدرت

در خصوص محدودیت‌های اعمال قدرت، در آغاز لازم است اشاره شود که در اندیشه سیاسی کلاسیک و مدرن برای مهار قدرت دو روش قابل توجه است: ساز و کار درونی مهار قدرت که به معنای فرض وجود ویژگی‌های مشخص در شخص حاکم است که به مدد آنها می‌تواند در برابر وسوسه سوءاستفاده از قدرت مقاومت کند.

ساز و کار بیرونی مهار قدرت که به معنای اتخاذ روش‌هایی است که ضمن جلوگیری از تمرکز قدرت آن را با مسئولیت همراه سازد و نهادی بشری را بر آن بگمارد (باوی، ۱۳۷۸، ص. ۲).

ازاین‌رو در ادامه کوشیده‌ایم با عطف به دو نکته فوق و توجه تمرکز بر «محدودیت‌های قدرت» در نظریه «غایت - مشروعیت»، رد آن را در آثار، سخنرانی‌ها و رفتار سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای پی‌جویی کرد.

از نظر آیت‌الله خامنه‌ای حاکم اسلامی دارای محدودیت‌های هنجاری و نهادی و ساختاری برای استفاده از قدرت است و ایشان باید در چنین چهارچوب‌هایی به حکمرانی پردازد. از جمله این چهارچوب‌ها و محدودیت‌ها (شامل ساز و کارهای دورنی و بیرونی مهار قدرت هستند) می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱) قانون اساسی و قوانین عادی و تفکیک قوا

از نظر ایشان قانون اساسی میثاق میان مردم و حکومت است و به شیوه مناسبی توزیع قدرت را لحاظ کرده و مردم در نقشی تعیین‌کننده و تصمیم‌گیرنده در قبال مراکز قدرت دارند:

در قانون اساسی جمهوری اسلامی، توزیع قدرت به نحو منطقی و صحیحی وجود دارد و همه مراکز قدرت هم مستقیم و یا غیرمستقیم با آرای مردم ارتباط دارند و مردم تعیین‌کننده و تصمیم‌گیرنده هستند؛ ضمن آنکه وظایف قوای سه‌گانه و مسئولان قانونی در قانون اساسی مشخص شده و همه باید در قبال قانون تسلیم باشند (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۰۵/۱۵).

ایشان ضمن نقد مطلق‌العنان بودن حاکمیت فقیه در قانون اساسی معتقد است این طور نیست که رهبری هر کاری می‌تواند انجام دهد؛ بلکه باید مو به مو قوانین را اجرا کند و به آنها احترام بگذارد. رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر اهمیت قانون به عنوان عامل تعیین‌کننده سرنوشت کشور و انسان‌ها بر تبعیت محض از آن تأکید دارد: قانون، یعنی سرنوشت یک کشور، قانون یعنی سرنوشت انسان‌ها در یک جامعه. چون همه مُتَبِع هستند و مجبورند از قانون تبعیت کنند. دولت هم باید از قانون تبعیت کند، رهبری هم باید از قانون تبعیت کند. در واقع ولی فقیه محکوم قانون است (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۰۹/۲۶). بر اساس برداشت ایشان از قانون اساسی، رهبری یا فقه نباید وارد کارهای اجرایی بشود. نه قانون و نه منطبق این اجازه را نمی‌دهد. ایشان بر این باورند که رهبری یک مدیریت است، منتها مدیریت اجرایی نیست؛ بلکه بر قوای سه‌گانه نظارت می‌کند و به بیانی دستگاه رهبری مطلقاً کار اجرایی انجام نمی‌دهد و وظیفه ایشان نگاه راهبردی و کلان به

انقلاب و مسیر انقلاب است (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۴/۱۲). وی معتقدند در صورت تخطی جمهوری اسلامی و رهبری آن از مبانی و اصول، مشروعیت او از میان می‌رود و اطاعت از او نه واجب است و نه جایز. در نظام جمهوری اسلامی اساس حرکت بر پای‌بندی به مبانی است. آن چیزی که به عنوان مبدأ مشروعیت این نظام ... مشروط است به پای‌بندی احکام الهی. آن کسی که در رتبه رهبری نشسته است، اگر نسبت به آرمان‌های اسلامی، نسبت به قوانین اسلامی از لحاظ نظری یا عملی، بی‌قید شود، از مشروعیت می‌افتد و دیگر اطاعت او بر کسی واجب نیست؛ بلکه جایز نیست. این در خود قانون اساسی، یعنی در خود سند اصلی انقلاب، ثبت شده است (خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۰۳/۱۴). پای‌بندی به قانون در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای چنان پررنگ است که معتقدند در صورتی که دولت مصوبات و تصمیم‌گیری‌هایی داشته باشد که رهبری هم شامل آن بشود، رهبر خود را موظف می‌داند به آن تصمیم‌گیری‌ها و مصوبات عمل کند؛ در عین حالی که حق دخالت و ورود به مسئولیت‌های دولت و مجلس و قوه قضاییه را ندارد (مرندی، ۱۴۰۲، ص. ۲۸). حتی با وجود اینکه ولایت فقیه یک نظریه درون‌دینی و مبتنی بر دلایل عقلی و نقلی منبعث از اسلام و شیعه است و به طبع مورد تأکید و ابرام آیت‌الله خامنه‌ای است و باعث تقویت اقتدار و نفوذ رهبری در میان مردم و به افزودن قدرت وی منجر می‌شود؛ ولی به نظر ایشان «عدم اعتقاد به ولایت مطلقه فقیه، اعم از اینکه بر اثر اجتهاد باشد یا تقلید، در عصر غیبت حضرت حجت (ارواحنا فداه) موجب ارتداد و خروج از دین اسلام نمی‌شود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳).

یک. رأی مردم و رضایت آنان

در تکمیل بند فوق باید افزود که در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای مشروعیت حکومت منوط به نصب عام از طرف ائمه و پذیرش و رضایت مردمی است. ایشان با ردّ دموکراسی غربی، «مردم‌سالاری دینی» را حکومت مطلوب از نوع اسلامی آن می‌داند و بر این باور است که در این نوع از حکومت، این مردم هستند که باید حکومت را بخواهند تا او مورد قبول باشد و حق داشته باشد که حکومت کند؛ زیرا از ابتدا در اسلام

هیچ ولایت و حاکمیتی بر انسان‌ها مقبول نیست و پس از تنفیذ شرعی پذیرش مردمی، عامل اصلی حکومت است. در جمهوری اسلامی، هم رهبری و هم پارلمان و هم قوای اجرایی، همه به نحوی با انتخاب مردم روی کار می‌آیند (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۰۹/۲۶) و بعد از روی کار آمدن باید بدانند که مهم‌ترین اصل برای حاکم اسلامی، مردم و نیازها و حقوق آنان و رعایت عدالت و انصاف در حق آنان است؛ زیرا پذیرش مسئولیت در نظام اسلامی برای مردم و در راه خداست (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۳/۲۹). مهم‌ترین نماد تأثیر مردم در حکومت در اندیشه ایشان انتخابات است که در واقع احترام به رأی و تشخیص و رضایت مردم است و مردم هستند که بر اساس نظام انتخاباتی، تصمیم می‌گیرند و تشخیص می‌دهند (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۱۲/۰۶). ایشان تکیه‌گاه نظام را رأی مردم و مردم‌گرایی معرفی می‌کند و معتقد است که مردم محور اصلی در انتخاب مسئولان هستند و مسئولان موظف به تأمین مادیات و معنویت مردم، ایجاد عدالت در میان آنان، احیای شأن انسانی و آزادی مردم هستند (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۰۳/۱۴). ایشان تأکید دارند که کارگزاران نظام باید با اتکا به رأی مردم بر سر کار آیند و متوجه باشند که در اسلام به نظر مردم اعتبار داده شده و در انتخاب حاکم و در کاری که حاکم انجام می‌دهد، مورد پذیرش قرار گرفته است (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۰۳/۱۴).

۲) فقه و شریعت اسلامی

از نظر آیت‌الله خامنه‌ای حدود حاکمیت فقیه، فقه است و هرجایی که گستره فقه اسلامی است، حدود حاکمیت فقیه نیز هست. در واقع حدود حاکمیت فقیه، همان حدود فقه است و چون می‌دانیم که فقه اسلامی مشمول همه مسائل سیاسی و اقتصادی و فردی و اجتماعی است، پس حاکمیت فقیه همه امور فردی و اجتماعی و امور سیاسی و اقتصادی و امور نظامی و بین‌المللی و همه چیزهایی است که در قلمرو حکم اسلامی و شرعی است (فخریان، ۱۴۰۰، ص ۵۰). نکته مهم آنکه حکومت و ولایت فقیه ناشی از فقه اسلامی است و بر اساس آن خود شخص فقیه نیز باید مطیع و تابع حکم ولی فقیه باشد (اشرفی و علیزاده، ۱۳۹۵، ص ۴۰). ضمن آنکه حکومت فقیه باید بر مکتب اسلام و شریعت

اسلامی مبتنی باشد، حکومت آن جامعه (ایران) باید حکومت مکتب باشد؛ یعنی مکتب اسلام و شریعت اسلامی و احکام و مقررات اسلامی باید بر زندگی مردم حکومت کند (زارع پور، ۱۳۷۵، ج. ۴، ص. ۴۶).

۳) عدالت‌ورزی

آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر اهمیت عدالت‌ورزی در حکومت اسلامی، معتقد است که عامل اصلی مشروعیت قدرت حاکم در اسلام قسط و عدالت است و بی‌عدالتی حاکم باعث عدم مشروعیت و درنهایت عزل شدن او از قدرت است؛ ضمن اینکه شرط عدالت‌ورزی مختص حاکم نیست؛ بلکه همه مسئولان حکومتی در سطوح مختلف اجرایی و قانون‌گذاری و کیفری را نیز شامل می‌شود؛ چون اینها بر جان و مال جامعه تحت قدرت خودشان حکومت می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۰۹/۲۶).

از نظر ایشان هدف اول و اساس حکومت اسلامی عدالت و اقامه عدل است و اگر از رفاه و فقرزدایی و کاهش شکاف طبقاتی سخن گفته می‌شود، همه آنها ذیل عدالت تعریف می‌شود: هزارسال است که امت اسلامی برای قسط و عدل دعا می‌کند. این نظام اسلامی به وجود آمده است؛ اولین کارش اجرای قسط و عدل است. قسط و عدل واجب‌ترین کارهاست. ما رفاه را هم برای قسط و عدل می‌خواهیم (واعظی، ۱۳۹۰، ص. ۲). گفتنی است عدالت در نظر رهبر انقلاب اسلامی هم با معنویت و عقلانیت گره خورده است و هم رفاه و سازندگی و توسعه و رفع فقر و محرومیت را شامل می‌شود و هم ارکان اقتصادی، فرهنگی، قضایی و ... را در بر می‌گیرد (واعظی، ۱۳۹۰، ص. ۵).

۴) آزادی

در اندیشه رهبری انقلاب، آزادی ذیل توحید و خداواری و باید و نبایدهای اسلامی تعریف می‌گردد و نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزش‌های الهی و حقوق عمومی قرار گیرد (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲) و شامل همه انواع آزادی است؛ به این معنا که آزادی هم معنای استقلال از بیگانه و خارجی و هم خلاصی از نظام سلطه و جباریت در داخل

است؛ افزون بر آنکه به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه افراد جامعه است (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). آزادی بیان و اندیشه و عمل و فکر هم از دیگر شقوق آن است و تا جایی که در ورطه براندازی و کنشگری مسلحانه علیه حاکمیت فقیه نگردد، در همه شئون مذکور و در همه حوزه‌های عملکردی می‌تواند جلوی سوء عملکرد حاکم و متولیان حکومتی را بگیرد. گفتنی است که از نظر ایشان نبود آزادی باعث توقف رشد جامعه در حوزه‌های اجتماعی، علمی، فکری و فلسفی می‌شود؛ هرچند باید متوجه بود که در نگاه رهبری انقلاب و لنگاری فرهنگی و آزادی از نوع غربی آن جایی ندارد و باید مفهوم آزادی در چهارچوب قانون اساسی و قوانین کشور تفسیر و معنا گردد و زمینه‌های رشد آن فراهم آید (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۵/۳۰). ابزار اصلی آن هم در عصر کنونی، رسانه‌ها و مطبوعات هستند که در ذیل شرح داده شده است.

۵) رسانه‌ها و مطبوعات

در عصر اطلاعات و حکومت‌های مدعی دموکراسی، مطبوعات و رسانه‌ها نقش مهمی در جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت ایفا می‌کنند و این نقش تا بدان پایه است که از آن به عنوان رکن چهارم دموکراسی یاد می‌کنند؛ از این رو به‌رغم تأکید بر یک سری محدودیت‌های شرعی و امنیتی و ...، اهمیت مطبوعات و رسانه‌های صوتی و تصویری و برخط برای آیت‌الله خامنه‌ای برجسته است؛ زیرا می‌تواند کارکردهای مثبتی در بخش‌های مختلف نظام و حکومت و پاسخ‌گویی اصحاب قدرت در قبال مسئولیت‌ها و اختیارات آنان ایفا کند. از نظر ایشان داشتن رسانه و توانایی خبری یکی از سه رکن نفوذ و اقتدار سیاسی است: امروز نفوذ و اقتدار سیاسی در دنیا بر سه پایه استوار است: اول، ثروت و امکانات پولی و مالی؛ دوم، توانایی‌های علمی و تکنولوژی؛ سومی، قطعاً توانایی‌های خبری و سلطه خبری است (خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۲/۲۱)؛ از این رو از کارهای اساسی نظام باید افزایش و تنوع‌بخشی و بهبود کیفیت مطبوعات و رسانه‌ها باشد. از نظر آیت‌الله خامنه‌ای در حال حاضر در ایران سه دسته از مطبوعات و رسانه در حال فعالیت هستند:

دسته اول موافقان نظام هستند که خود به سه طیف منتقد و معترض و موافق تقسیم می‌شود؛ دسته دوم رسانه‌های بی‌تفاوت به نظام هستند و دسته سوم مجلات یا روزنامه‌های «معاند» هستند. ایشان با تأکید بر اینکه در جمهوری اسلامی همه‌گونه اندیشه‌ای آزاد است و نظام با تفکر و فکر و مباحث آزاد مخالف نیست و اصلاً هم بنا بر این نیست که با اندیشه برخورد شود و انتقاد و اعتراض به شیوه معقول پذیرفته است و می‌توانند فکر و سلیقه نظراتشان را در حوزه‌های مختلف بیان کنند و به آگاهی بخشی به مردم در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و سیاست خارجی و داخلی اقدام کنند، همه‌گونه انتقاد را با کمال بی‌طرفی منتشر می‌سازند (رضایی و خجسته باقرزاده، ۱۳۹۹، ص. ۲۶). تنها استثنا، «پایه‌های اصلی انقلاب» هستند که رسانه و مطبوعات حق تعرض به آنها را ندارند. ایشان در توصیه به صدا و سیما از آنها می‌خواهد که به بیان ضعف‌ها و نارسایی‌ها و کمبودهای مردم پردازد؛ ضمن آنکه مراقب باشد باعث یأس مردم و تضعیف مدیریت کشور نشود (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۰۹/۱۱). ایشان از جمله وظیفه‌های اصلی رسانه را تبدیل عدالت به دغدغه در ذهن مردم می‌داند: وظیفه رسانه این است که دغدغه عدالت را در ذهن‌ها و دل‌های مردم دامن‌بزند (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۰۹/۱۱).

جدول ۳: محدودیت‌های اعمال قدرت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

تقوا، عدالت و فقاقت	محدودیت‌های درونی	شیوه‌های
قانون اساسی و قوانین عادی و تفکیک قوا، خواست مردم - آزادی - مطبوعات و رسانه‌ها	محدودیت‌های بیرونی	مهار قدرت

د) حق اعتراض بر حاکمیت

تیین نگاه عالمان شیعه از جمله آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص نقش مردم در حکومت و چگونگی بیان خواسته‌های خود و راه‌های اعتراض و حتی انجام دادن اعمال

براندازانه علیه حکومت اسلامی، در گرو توجه به دو مسئله کلیدی است:

اول: در بُعد «حق اعتراض بر حاکمیت» در نظریه «غایت- مشروعیت»، منظور مؤلف پذیرش حق اعتراض در قالب‌های «اصلاح‌طلبی و براندازی» برای انسان توسل به هیچ مبنای متافیزیکی یا مبانی فلسفی و دینی و ... است. این در حالی است که اندیشه‌ورزی رهبر انقلاب اسلامی در باب منابع مشروعیت حکومت و حقوق مردم در فضای سیاست و ...، در قالب گفتمان درون‌دینی اسلام به صورت عام و مذهب شیعه به صورت خاص است.

دوم: در تکمیل بند اول باید گفت آیت‌الله خامنه‌ای همچون اکثر عالمان شیعه، بر حق حاکمیت فقیه بر جامعه شیعی و مسلمان و ضرورت اجرای احکام اسلامی تصریح دارند و فهم از حقوق و مسئولیت‌های انسان نیز در چهارچوب قوانین اسلامی معنا پیدا می‌کند؛ از این رو به راحتی نمی‌توان رگه‌هایی از حق خروج علیه حاکمیت در اندیشه‌های وی یافت و حتی گاه به شدیدترین وجه ممکن به تقییح و مقابله با کنش‌های براندازانه می‌پردازد. افزون بر آنکه معتقد است اعتراض مردم باید در چهارچوب قوانین شرعی قابلیت اجرایی پیدا کند.

با توجه به نکات فوق می‌توان به روندیابی نگاه ایشان درباره حق کنشگری‌های اعتراضی و گاه براندازانه مردم پرداخت.

ثقل اندیشه‌ورزی سیاسی و کنشگری عملی آیت‌الله خامنه‌ای حفاظت و حراست از «انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی» برآمده از آن است و در هیچ شرایطی برای مخالفان حق اعتراض به شیوه رادیکال و براندازانه قائل نیست. از نظر ایشان مخالفت با نظام اسلامی، حرام و گناه کبیره شمرده می‌شود و مبارزه با مخالفان آن واجب است و معتقدند که حاکم اسلامی وقتی از مردم چیزی می‌خواهد و به مردم امر می‌کند، مردم باید اطاعت کنند (خامنه‌ای، ۱۴۰۰ الف، ص. ۲۲۳)؛ از این رو در همه مواقع تنش و بحرانی نظام جمهوری اسلامی، از جمله در سال‌های ۱۳۷۸، ۱۳۸۸، ۱۳۹۶، ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ با توسل به مفاهیم دینی مانند «فتنه» و مفاهیم رسانه‌ای مانند «شارلاتانیزم مطبوعاتی»، «جنگ ترکیبی» و «توطئه‌گری دول خارجی» به مقابله قاطع با بحران‌های امنیتی پرداخته‌اند؛ به

گونه‌ای که در حوادث ضد امنیتی پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸، با وام‌گیری از مفهوم «فتنه» از موارث دینی و مذهبی، از دستگاه‌های دولتی و مسئولان می‌خواهد که به مقابله و معارضة با اغتشاشگران پردازند: دستگاه‌ها باید وظایفشان را هم در مقابل آدم مفسد و اغتشاشگر و ضد انقلاب و ضد امنیت و هم وظایفشان در زمینه اداره کشور را انجام دهند (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۱۰/۱۹). یا در ماجرای قتل‌های زنجیره‌ای و تجمعات و اعتراضات خیابانی پس از آن در سال ۱۳۷۹، با تأکید با مفهومی به نام «شارالاتانیزم مطبوعاتی» خواستار مقابله با رسانه‌های معاند می‌شود:

بعضی از این مطبوعات که امروز هستند، پایگاه دشمن‌اند؛ همان کاری را می‌کنند که رادیو و تلویزیون‌های بی.بی.سی. و آمریکا و رژیم صهیونیستی می‌خواهند بکنند... مدل اینها کیست؟ مطبوعات غربی هم این‌گونه نیستند. این یک شارالاتانیزم مطبوعاتی است... من بارها به مسئولان دولتی تذکر داده‌ام و به طور جدی از آنها خواسته‌ام که جلوی این وضعیت را بگیرند (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۲/۰۱).

ایشان با تأکید بر توطئه‌گری سرویس‌های امنیتی بیگانه و جنگ ترکیبی درباره حوادث پاییز ۱۴۰۱ بیان می‌کند:

من به صراحت می‌گویم این اغتشاش‌ها و نا امنی‌ها طراحی آمریکا و رژیم غاصب و جعلی صهیونیستی بود و حقوق‌بگیران آنها و برخی از ایرانی‌های خائن در خارج به آنها کمک کردند. ایشان با نام‌نهادن اتفاقات پاییزی ۱۴۰۱ به عنوان «جنگ ترکیبی» عنوان کرده‌اند که در این نوع از جنگ از عامل رسانه و فرهنگ و امنیت و اقتصاد و نفوذ و محاصره برای ضربه‌زدن به نظام استفاده شده است (خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۰۷/۱۱).

از این‌رو از دستگاه‌های مسئول می‌خواهد که فریب‌خورده را متنبه کنند و جنایتکار و قاتل و تهدیدگر را به مجازات برسانند. به تعبیر سعدی:

درشتی و نرمی به هم در په است چو رگزن که جراح و مرهم نه است
(سعدی، ۱۳۹۰، ص. ۱۹۱).

هم جراحی می‌کند و هم مرهم می‌گذارد؛ هر دو باید انجام بگیرد (خامنه‌ای،

۱۴۰۱/۰۷/۱۱).

می‌توان تصریح کرد که آیت‌الله خامنه‌ای در تمامی تنش‌های امنیتی و اجتماعی و سیاسی توسط مخالفان و معارضان و اپوزیسیون داخلی و خارجی همواره یک فرایند چند مرحله برای مقابله با این تنش‌ها و تحرکات انجام می‌دهند که عبارت‌اند از:

نصیحت: موعظه و نصیحت گروه‌ها و عناصر تحریک‌کننده و تحریک‌شده؛
 روشنگری: روشنگری افکار عمومی؛
 هشدار: هشدار به محرکان داخلی و خارجی و نیز عناصر آشوب‌طلب؛
 افشاگری: افشای ماهیت اقدامات مخالفان و معارضان؛
 برخورد قاطع: صدور دستور برخورد قاطع و مؤثر با عوامل فتنه‌گر؛
 وحدت‌گرایی: بازگرداندن اتحاد و انسجام و نهادینه‌ساختن آن (مرادزاده، ۱۳۹۶، ص. ۳۱۰).

از سوی دیگر آیت‌الله خامنه‌ای به مناسبت‌های گوناگون بر اعتراض و اجتماع برای اصلاح و تغییر در چهارچوب نظام موجود تصریح دارند: اگر کسی یه وقت اعتراضی دارد، اعتراض هم اشکالی ندارد؛ ولی اعتراض باید مقابله نباشد (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۱۱/۰۶). ایشان با تأکید بر پیوستگی میان مطالبه‌گری در راستای تغییر با اعتراض، از معترضان می‌خواهد که مراقب باشند اعتراض به معنای اعتراض به اصل نظام تلقی نگردد.

از این‌رو از مسئولان می‌خواهند که در قالب فوق با منتقدان و مخالفان رفتار مناسبی داشته باشند: اصرار می‌کنم که برخوردها نه از سوی مردم نسبت به مسئولان و نه از سوی مسئولان نسبت به منتقدان تخریبی نباید باشد؛ نه تحقیر باشد، نه اهانت باشد... دغدغه‌داشتن و دلواپس‌بودن جرم نیست (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۰۱/۰۱).

جدول ۴: حق اعتراض بر حاکمیت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

حق اعتراض بر حاکمیت	
براندازانه	تقییح و مقابله قاطع با کنش‌های رادیکال و براندازانه.
اصلاح‌گرایانه	پذیرش اصلاح و تغییرخواهی در چهارچوب نظام اسلامی و قانون اساسی و عادی.

نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر بهره گیری از الگوی نظری «غایت - مشروعیت» جان مارو، با استفاده از روش تفهیمی برای بررسی این فرضیه بود که «با توجه به حاکمیت یافتن فقهای شیعی و نتایج سیاسی ناشی از فرایند مدرنیته (شهروند - حقوق)، نگاه آیت الله خامنه‌ای به حکومت تلفیقی از تفسیرهای مبتنی بر سنت اسلامی - شیعی و تجربیات بشری ناشی از مدرنیته است» و در پاسخ به پرسش از «چگونگی تبیین حکومت در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای» بوده است؛ از این رو پس از بررسی‌ها نتایج ذیل به دست آمد:

الف) غایت حکومت

از نظر آیت الله خامنه‌ای مهم‌ترین اهداف حکومت رهنمون شدن مردم به سوی حیات طیبه است که به معنای زندگی گواراست و زندگی گوارا وقتی است که همراه با رفاه مادی، عدالت محوری، ظلم ستیزی، امنیت و معنویت و اخلاق باشد.

ب) کیستی حاکم

از نظر رهبر انقلاب اسلامی، فقیهان شیعی به نصب عام منصوب از جانب امامان علیهم‌السلام از طریق اعلام شرایط حاکم اسلامی برای ولایت سیاسی هستند؛ ولی زمینه تحقق این ولایت به رأی و نظر مردم منوط است؛ بنابراین می‌توان گفت حکومت در اندیشه ایشان دارای ریشه دینی الهی - مردمی است.

ج) محدودیت‌های اعمال قدرت

محدودیت‌ها یا شیوه‌های مهار قدرت در اندیشه آیت الله خامنه‌ای به دو دسته محدودیت‌های درونی تقوا و عدالت و فقاقت و محدودیت‌های بیرونی قانون اساسی و قوانین عادی و تفکیک قوا، خواست مردم، آزادی و مطبوعات و رسانه‌ها تقسیم می‌شوند.

د) حق اعتراض بر حاکمیت

در زمینه اعتراض بر حاکمیت، آیت الله خامنه‌ای به مقابله قاطع با کنش براندازانه حکم می‌دهد و در حوزه اصلاحی نیز پذیرای کنش‌های اصلاح‌گرایانه در قالب نظام اسلامی است.

فهرست منابع

قرآن کریم.

احمدوند، ش.؛ اسلامی، ر. (۱۳۹۷). اندیشه سیاسی در ایران باستان. تهران: انتشارات سمت.
ارسطو. (۱۳۸۷). سیاست. مترجم ح. عنایت. (چاپ پنجم). تهران: انتشارات شرکت سهامی
کتاب‌های جیبی.

اشرفی، ا.؛ علی‌زاده، قدسی. (۱۳۹۵). ولایت مطلقه فقیه در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای.
فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی. سال ششم. شماره ۲۱. ص. ۲۳-۵۰.
باوی، م. (۱۳۷۸). مهار قدرت در اندیشه امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام
خمینی علیه السلام.

حقیقت، س.ص. (۱۳۹۲). مبانی اندیشه سیاسی در اسلام. قم: انتشارات دانشگاه مفید.
خامنه‌ای. س.ع. (۱۳۸۳/۱/۰۲). بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی. قابل
مشاهده در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3227>

خامنه‌ای. س.ع. (۱۳۹۴/۱/۱). بیانات در حرم مطهر رضوی. قابل مشاهده در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29236>

خامنه‌ای. س.ع. (۱۳۷۹/۲/۱). بیانات در دیدار جوانان در مصلاهی بزرگ تهران. قابل مشاهده
در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3003>

خامنه‌ای. س.ع. (۱۴۰۱/۷/۱۱). بیانات در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان
دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح. قابل مشاهده در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=51048>

خامنه‌ای. س.ع. (۱۳۸۳/۹/۱۱). بیانات در دیدار مسئولان صداوسیما. قابل مشاهده در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3262>

خامنه‌ای. س.ع. (۱۳۹۵/۴/۱۲). بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان. قابل مشاهده در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33694>

- خامنه‌ای. س.ع. (۱۳۹۳). رساله آموزشی. (جلد اول). تهران: انقلاب اسلامی.
- خامنه‌ای. س.ع. (۱۳۷۸/۳/۱۴). خطبه‌های نماز جمعه تهران در دهمین سالگرد حضرت امام خمینی علیه السلام. قابل مشاهده در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2955>
- خامنه‌ای. س.ع. (۱۳۷۸/۳/۱۴). خطبه‌های نماز جمعه در دهمین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام. قابل مشاهده در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2955>
- خامنه‌ای. س.ع. (۱۳۸۰/۳/۱۴). بیانات در دوازدهمین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام. قابل مشاهده در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3068>
- خامنه‌ای. س.ع. (۱۳۸۵/۳/۱۴). بیانات در مراسم هفدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی علیه السلام. قابل مشاهده در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3341>
- خامنه‌ای. س.ع. (۱۴۰۰/۳/۱۴). سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سی و سومین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام. قابل مشاهده در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47991>
- خامنه‌ای. س.ع. (۱۳۸۲/۵/۱۵). بیانات در دیدار کارگزاران نظام. قابل مشاهده در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3186>
- خامنه‌ای. س.ع. (۱۳۸۳/۸/۱۵). بیانات در خطبه‌های نماز جمعه. قابل مشاهده در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3258>
- خامنه‌ای. س.ع. (۱۳۸۸/۱۰/۱۹). بیانات در دیدار مردم قم در سالگرد قیام نوزده دی ماه. قابل مشاهده در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8599>
- خامنه‌ای. س.ع. (۱۳۶۹/۱۲/۲۱). بیانات در دیدار با مدیران و مسئولان بخش‌های خبری صدا و سیما. قابل مشاهده در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2432>
- خامنه‌ای. س.ع. (۱۳۹۷/۱۱/۲۲). بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران. قابل مشاهده در: <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>
- خامنه‌ای. س.ع. (۱۳۶۶/۳/۲۲). خطبه‌های نماز جمعه تهران. قابل مشاهده در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21495>
- خامنه‌ای. س.ع. (۱۳۹۴/۶/۲۵). بیانات در دیدار فرماندهان سپاه انقلاب اسلامی. قابل مشاهده در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30791>

خامنه‌ای. س.ع. (۱۳۸۲/۹/۲۶). بیانات در دیدار استادان و دانشجویان قزوین. قابل مشاهده در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=5703>

خامنه‌ای. س.ع. (۱۳۸۰/۲/۲۸). بیانات در خطبه‌های نماز جمعه. قابل مشاهده در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3066>

خامنه‌ای. س.ع. (۱۳۷۹/۳/۲۹). بیانات در دیدار با نمایندگان دوره ششم مجلس شورای

اسلامی. قابل مشاهده در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3013>

خامنه‌ای. س.ع. (۱۳۹۸/۵/۳۰). دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت با رهبر انقلاب. قابل

مشاهده در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43319>

خامنه‌ای. س.ع. (۱۳۹۵/۶/۳۰). بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت عید غدیر.

قابل مشاهده در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=34429>

خامنه‌ای. س.ع. (۱۳۹۵/۶/۳۰). بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت عید غدیر.

قابل مشاهده در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=34429>

خامنه‌ای. س.ع. (۱۳۷۷/۱۲/۴). بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با مدیران مسئول و سردبیران نشریات

دانشجویی. قابل مشاهده در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7571>

خامنه‌ای. س.ع. (۱۳۸۸/۱۱/۶). دیدار مردم مازندران در سالگرد حماسه شش بهمن. قابل

مشاهده در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8678>

خامنه‌ای. س.ع. (۱۳۸۸/۱۲/۶). بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری. قابل مشاهده در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8988>

خامنه‌ای. س.ع. (۱۴۰۱/۴/۷). بیانات در دیدار مسئولان و رئیس قوه قضائیه. قابل مشاهده در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=50545>

خامنه‌ای. س.ع. (۱۳۸۴/۶/۸). بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت. قابل

مشاهده در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3304>

خامنه‌ای، س.ع. (۱۴۰۰ الف). ولایت و حکومت. (چاپ ششم). تهران: مؤسسه فرهنگی هنری

ایمان جهادی.

رجایی، ف. (۱۴۰۲). دردمند امر سیاسی ایرانی. سیاست نامه، شماره ۲۶، صص. ۱۴۳-۱۵۶.

- رضایی، ا.؛ خجسته باقرزاده، ح. (۱۳۹۹). الگوی مفهوم نظام رسانه‌ای در اندیشه امام و رهبری. پژوهش‌های ارتباطی، ۲۲(۴)، صص. ۹-۴۰.
- زارع‌پور، م. (۱۳۷۵). حدیث ولایت، (جلد چهارم). تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- سعدی شیرازی، م. (۱۳۹۰). گلستان. (چاپ سوم). تهران: انتشارات منشأ دانش.
- سید امامی، ک. (۱۳۹۰). پژوهش در علوم سیاسی. (چاپ سوم). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- عالم، ع. (۱۳۹۲). بنیادهای علم سیاست. (چاپ بیست و پنجم). تهران: نشر نی.
- فخریان، ا. (۱۴۰۲). ولایت و انسان‌سازی. تهران، نشر شهید کاظمی، چاپ سوم.
- فرو، گ. (۱۳۷۰). فرشتگان محافظ مدنیت. مترجم: ع. آگاهی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- فی، ب. (۱۳۹۰). پارادایم‌شناسی علوم انسانی. مترجم: م. مردیها. پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- فیرحی، د. (۱۴۰۰). دولت مدرن و بحران قانون. تهران: نشر نی.
- کاشف‌الغطاء، ع. (۱۳۸۸). كشف الغطاء عن مبهمات الشریعه الغراء. (چاپ دوم، ج. ۱). تهران: بوستان کتاب.
- لک‌زایی، ن. (۱۳۸۹). چالش سیاست دینی و نظم سلطانی. (چاپ سوم). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- مرادزاده، ع. (۱۳۹۶). اندیشه و رفتار سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای. تهران: انتشارات ناد.
- مرندی، س. ع. (۱۴۰۲). وظایف و اختیارات رهبری از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای مبتنی بر روش تحلیل مضمون. مطالعات راهبردی، ۲۶(۱)، صص. ۱-۳۶.
- منوچهری، ع. (۱۳۹۰). رهیافت و روش در علوم سیاسی. (چاپ سوم). تهران: انتشارات سمت.
- منوچهری، ع. (۱۳۹۵). فراسوی رنج و رویا. (جلد دوم). تهران: پژوهشگاه تاریخ اسلام، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

واعظی، ا. (۱۳۹۰). بررسی عدالت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای. تهران: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای.

ویسهوفر، یوزف (۱۳۸۰)، ایران باستان، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر (چاپ چهارم). تهران: انتشارات ققنوس.

یوسف‌زاده، ح.ع. (۱۳۹۲). حکومت اسلامی در عصر غیبت از نگاه علمای عصر صفوی. حکومت اسلامی، ۱۸ (۷۰)، صص. ۹۳-۱۲۰.

Marrow, J. (2005). *History Of Western Politica Lthought*. London: Palgrave macmilian.

References

* Holy Quran

- Ahmadvand, S., & Eslami, R. (2018). Political Thought in Ancient Iran. Tehran: SAMT Publications. [In Persian]
- Alam, A. (2013). Foundations of Political Science (25th ed.). Tehran: Ney Publishing. [In Persian]
- Aristotle. (2008). Politics (5th ed., H. Enayat, Trans.). Tehran: Pocket Book Company Publications. [In Persian]
- Ashrafi, A., & Alizadeh, Q. (2016). The absolute guardianship of the jurist in Ayatollah Khamenei's political thought. Scientific-Research Quarterly of Islamic Revolution Studies, 6(21), 23-50. [In Persian]
- Bavi, M. (1999). Controlling Power in the Thought of Imam Khomeini. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
- Fakhriyan, A. (2023). Guardianship and Human Development (3rd ed.). Tehran: Shaheed Kazemi Publishing. [In Persian]
- Fay, B. (2011). Paradigm Analysis in Humanities (M. Mardiha, Trans.). Tehran: Strategic Studies Institute. [In Persian]
- Ferro, G. (1991). Guardian Angels of Civilization (A. Agahi, Trans.). Tehran: Center for Political and International Studies. [In Persian]
- Firahi, D. (2021). The Modern State and the Crisis of Law. Tehran: Ney Publishing. [In Persian]
- Haghighat, S. S. (2013). Foundations of Political Thought in Islam. Qom: Mofid University Press. [In Persian]
- Kashif al-Ghita, A. (2009). Kashf al-Ghita 'an Mubhamat al-Shari'ah al-Ghura (2nd ed., Vol. 1). Tehran: Bustan-e-Ketab. [In Arabic]
- Khamenei, S. A. (1987, June 12). Friday sermon in Tehran. Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21495>
- Khamenei, S. A. (1991, March 12). Remarks in a meeting with directors and officials of the national broadcasting news departments. Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2432>

- Khamenei, S. A. (1999, February 23). Remarks in a Q&A session with editors and managers of student publications. Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7571>
- Khamenei, S. A. (1999, June 4). Friday sermon in Tehran on the 10th anniversary of Imam Khomeini's passing. Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2955>
- Khamenei, S. A. (1999, June 4). Friday sermon on the 10th anniversary of Imam Khomeini's passing. Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2955>
- Khamenei, S. A. (2000, April 20). Remarks in a meeting with youth at the Grand Musalla of Tehran. Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3003>
- Khamenei, S. A. (2000, June 18). Remarks in a meeting with the Sixth Majlis representatives. Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3013>
- Khamenei, S. A. (2001, June 4). Remarks on the 12th anniversary of Imam Khomeini's passing. Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3068>
- Khamenei, S. A. (2001, May 18). Remarks during Friday prayers. Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3066>
- Khamenei, S. A. (2003, August 6). Remarks in a meeting with officials of the Islamic Republic. Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3186>
- Khamenei, S. A. (2003, December 17). Remarks in a meeting with professors and students of Qazvin. Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=5703>
- Khamenei, S. A. (2004, March 21). Remarks in a meeting with pilgrims and residents of the Holy Shrine of Imam Reza. Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3227>
- Khamenei, S. A. (2004, November 30). Remarks in a meeting with IRIB officials. Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3262>
- Khamenei, S. A. (2004, November 5). Remarks during Friday prayers. Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=325>

- Khamenei, S. A. (2005, August 30). Remarks in a meeting with the president and cabinet members. Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3304>
- Khamenei, S. A. (2006, June 4). Remarks at the 17th anniversary of Imam Khomeini's passing. Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3341>
- Khamenei, S. A. (2010, February 25). Remarks in a meeting with members of the Assembly of Experts. Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=898>
- Khamenei, S. A. (2010, January 26). Meeting with the people of Mazandaran on the anniversary of the February 6th heroic event. Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8678>
- Khamenei, S. A. (2010, January 9). Remarks in a meeting with the people of Qom on the anniversary of the January 9th uprising. Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8599>
- Khamenei, S. A. (2014). Educational Treatise (Vol. 1). Tehran: Islamic Revolution. [In Persian]
- Khamenei, S. A. (2015, March 21). Remarks at the Holy Shrine of Imam Reza. Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2923>
- Khamenei, S. A. (2015, September 16). Remarks in a meeting with IRGC commanders. Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30791>
- Khamenei, S. A. (2016, July 2). Remarks in a meeting with university students. Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3369>
- Khamenei, S. A. (2016, September 20). Remarks in a meeting with various groups of people on Eid al-Ghadir. Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=34429>
- Khamenei, S. A. (2016, September 20). Remarks in a meeting with various groups of people on Eid al-Ghadir. Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=34429>
- Khamenei, S. A. (2019, August 21). Meeting with the president and cabinet members. Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43319>

- Khamenei, S. A. (2019, February 11). Second step of the revolution statement addressed to the Iranian nation. Available at: <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>
- Khamenei, S. A. (2021, June 4). Televised speech on the 33rd anniversary of Imam Khomeini's passing. Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47991>
- Khamenei, S. A. (2021a). Guardianship and Governance (6th ed.). Tehran: Imam Jihadi Cultural Institute. [In Persian]
- Khamenei, S. A. (2022, July 7). Remarks in a meeting with officials and the head of the judiciary. Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=50545>
- Khamenei, S. A. (2022, September 3). Remarks at the joint graduation ceremony of military university students. Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=51048>
- Lakzaee, N. (2010). The Challenge of Religious Politics and Sultanate Order (3rd ed.). Qom: Research Institute of Islamic Culture and Thought. [In Persian]
- Manouchehri, A. (2011). Approaches and Methods in Political Science (3rd ed.). Tehran: SAMT Publications. [In Persian]
- Manouchehri, A. (2016). Beyond Pain and Dreams (Vol. 2). Tehran: Institute of Islamic History Studies, Institute for Humanities Research and Development. [In Persian]
- Marandi, S. A. (2024). The duties and authorities of the leadership from Ayatollah Khamenei's perspective based on thematic analysis. *Strategic Studies*, 26(1), 1-36. [In Persian]
- Marrow, J. (2005). *History of Western Political Thought*. London: Palgrave macmilian.
- Moradzadeh, A. (2017). *Political Thought and Behavior of Ayatollah Khamenei*. Tehran: Nad Publications. [In Persian]
- Rajayi, F. (2024). The pain of Iranian political affairs. *Siyasat-Nameh*, (26), 143-156. [In Persian]

- Rezaei, A., & Khoshjسته Bagherzadeh, H. (2020). The model of the media system in the thought of Imam and the Leader. *Communication Research*, 22(4), 9-40. [In Persian]
- Saadi Shirazi, M. (2011). *Golestan* (3rd ed.). Tehran: Mansha-e Danesh Publications. [In Persian]
- Seyed Emami, K. (2011). *Research in Political Science* (3rd ed.). Tehran: Institute for Cultural and Social Studies. [In Persian]
- Vaezi, A. (2011). *Examining justice in Ayatollah Khamenei's thought*. Tehran: Office for the Preservation and Publication of Ayatollah Khamenei's Works. [In Persian]
- Wiesehöfer, J. (2001). *Ancient Iran* (4th ed., M. Saqibfar, Trans.). Tehran: Qoqnoos Publications. [In Persian]
- Yousefzadeh, H. A. (2013). Islamic governance in the age of occultation from the perspective of Safavid scholars. *Islamic Governance*, 18(70), 93-120. [In Persian]
- Zarepour, M. (1996). *Hadith-e Velayat* (Vol. 4). Tehran: Organization of Cultural